

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

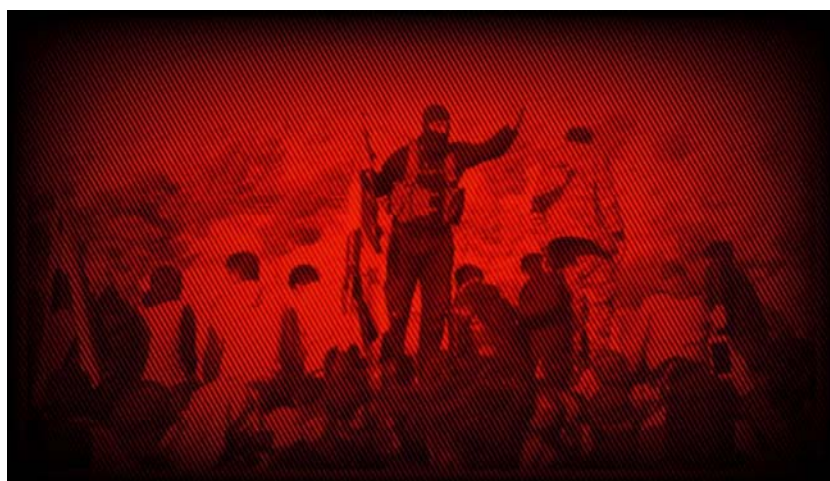
[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

منتشر شده در المیادین انگلیسی  
نویسنده: رابرت اینلاکش  
برگردان: مجله جنوب جهانی  
فرستنده: طاهر باختزی  
۱۳ مارچ ۲۰۲۵

## ظهور ملی‌گرایی سنی: یک صهیونیسم اسلامی و کشتار اقلیت‌های سوریه



رابرت اینلاکش به بررسی ظهور ملی‌گرایی سنی در سوریه پرداخته، آن را با صهیونیسم مقایسه کرده و نقش آن را در دامن زدن به خشونت‌های فرقه‌ئی و بی‌ثبات‌سازی مورد حمایت غرب آشکار می‌کند. کشتارهای وحشتناک غیرنظامیان که در سرتاسر سواحل سوریه رخ داده‌اند، به‌طرز هولناکی فجیع هستند، در مقیاسی که یادآور اوج شورش داعش در عراق است. با این وجود، هنوز افراد بی‌شماری که خود را مسلمان می‌دانند، تلاش می‌کنند این اقدامات را توجیه کنند. ایدئولوژی غالب آن‌ها نه «اسلام سنی» بلکه هویت ملی‌گرایانه‌ای است که بر پایه توجیهی الهیاتی شکل گرفته است، به عبارت دیگر، یک نوع «صهیونیسم اسلامی»

### تقسیم سوریه

مدت‌هاست که در دستور کار «نهاد صهیونیستی» قرار دارد که سوریه را به چندین دولت کوچک و ضعیف تقسیم کند، دولت‌هایی که بسیاری از آن‌ها را به‌عنوان توجیهی برای موجودیت خود به‌عنوان یک «دولت یهودی» معرفی کرده و با آن‌ها روابطی برقرار سازد.

در حالی که اتحاد رژیم صهیونیستی با «نیروهای دموکراتیک سوریه» (SDF) به رهبری کردها از مدت‌ها پیش شناخته شده بود، اسرائیلی‌ها در ۸ دسامبر ۲۰۲۴ حمایت خود را از گروهی که کنترل شمال شرقی سوریه را در دست دارد، دوچندان کردند. هم‌زمان، صهیونیست‌ها تمام بلندی‌های جولان را اشغال کرده و بزرگترین حمله هوایی خود را برای نابودی توان نظامی سوریه انجام دادند.

سال‌ها رژیم صهیونیستی حمایت‌های مالی و مادی، از جمله کمک‌های پزشکی، به حداقل دوازده گروه از معارضان سوری ارائه کرد که شامل «جبهه النصره» (شاخه القاعده در سوریه) نیز می‌شد. جبهه النصره بعداً به «هیأت تحریر الشام» (HTS) تبدیل شد که اکنون دمشق را با مشت آهنین کنترل می‌کند. رهبر این گروه، ابو محمد الجولانی، که اکنون ترجیح می‌دهد با نام احمد الشراء شناخته شود، در اصل یک پروژه ام‌آی ۶ (سازمان اطلاعات بریتانیا) بود و پیش‌تر از فرماندهان داعش محسوب می‌شد.

صهیونیست‌ها می‌دانستند گروه‌هایی که از آن‌ها حمایت می‌کنند، از جمله «هیأت تحریر الشام»، تحت هدایت عوامل اطلاعاتی خارجی هستند، اما بدنه اصلی این گروه‌ها را افراط‌گرایانی تشکیل می‌دهند که واقعاً به ایدئولوژی خود ایمان دارند. این وضعیت از دو جهت برای اسرائیل سودمند بود: در حالی که رهبران این گروه‌ها قابل هدایت بودند، عناصر افراطی آن‌ها مرتکب جنایاتی علیه غیرنظامیان می‌شدند که در نهایت به فدالی شدن سوریه منجر می‌شد.

### چگونه سوریه به این نقطه رسید؟

بخش‌های قابل توجهی از اقلیت‌های سوریه در آغاز از جنبش سرنگونی بشار اسد در سال ۲۰۱۱ حمایت می‌کردند، اما چیزی که باعث تغییر نظر آن‌ها و پشتیبانی از اسد شد، رفتار جوخه‌های مرگ فرقه‌ئی بود که به تدریج رهبری اپوزیسیون را در دست گرفتند.

با این حال، پس از سال ۲۰۱۸، زمانی که اقتصاد سوریه بشدت سقوط کرد و جنگ داخلی به یک درگیری پخزده تبدیل شد، چشم‌انداز آینده‌ای که بسیاری از سوری‌ها تصور می‌کردند، رنگ باخت. تحریم‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا کشور را در چنگال فقر فرو برد.

هنگامی که الجولانی حمله به حلب را آغاز کرد، دولت سوریه تقریباً بدون مقاومت فروپاشید. در ابتداء به‌نظر می‌رسید که شاید نیروهای HTS دست به کشتارهایی که بسیاری از آن‌ها واهمه داشتند، نزنند. اما پس از دو ماه، اعدام‌های میدانی فرقه‌ئی متوقف نشدند، اسرائیلی‌ها عملاً در آستانه ورود به دمشق بودند و دولت جدید هنوز قادر به ساماندهی خود نبود.

### توطئه برای کشتار جمعی یا استبداد خونین؟

سؤال واقعی اینجاست که آیا الجولانی بخشی از توطئه‌ای برای کشتار غیرنظامیان با هدف تقسیم سوریه است یا این که او صرفاً یک ابزار مفید و یک دیکتاتور قاتل است؟

وقتی شورش در سواحل سوریه رخ داد، واکنش فوری، اعزام گسترده نیروهای شبه‌نظامی و امنیتی بود، در حالی که تظاهرات‌کنندگان فرقه‌ئی خواستار «خون علوی‌ها» شدند. توجیه رسمی این کشتارها – که شامل غیرنظامیانی می‌شد که حتی مخالف بشار اسد بودند – این بود که «بازماندگان رژیم» باید شکار شوند.

## بزرگترین هدیه به اسرائیل

آنچه پس از آن رخ داد، بزرگترین هدیه‌ای بود که می‌توانست به اسرائیل داده شود: اوباش فرقه‌ای به خانه‌های غیرنظامیان یورش برده و مردان، زنان و کودکان را قتل‌عام کردند. حتی نوزادان نیز از این وحشیگری در امان نماندند. پیرمردها مورد آزار قرار گرفتند، تحقیر شدند و در خیابان‌ها به گلوله بسته شدند، نوجوانان در فضای باز اعدام شدند. هنگامی که همسایگان سنی آن‌ها تلاش کردند جلوی این کشتارها را بگیرند، آن‌ها نیز کشته شدند. به‌وضوح مشخص است که این اقدامات با نیت نسل‌کشی انجام شده‌اند و هیچ فردی با عقل سلیم نمی‌تواند کشتار گسترده غیرنظامیان بی‌گناه را انکار کند. به‌عنوان یک نکته شخصی، اوضاع آن‌قدر وخیم است که آشنایان سنی من در حماه و حمص می‌گویند حتی از اظهار نظر در شبکه‌های اجتماعی هراس دارند، زیرا می‌ترسند هدف قرار بگیرند.

## سوریه در آستانه نابودی

بی‌شک، هدف شوم صهیونیست‌ها تقسیم سوریه است، اما اکنون نمی‌توان این تقصیر را بر گردن واکنش‌های جوامع اقلیت انداخت که در پی حفظ بقای خود هستند، بلکه باید دولت جدید دمشق را مسؤول دانست که این جنایات را مرتکب شده است. اگر سوریه به این مسیر ادامه دهد، دیگر کشوری به نام سوریه باقی نخواهد ماند، و این نتیجه اقدامات جوخه‌های مرگ فرقه‌ای است که برای تجزیه کشور تلاش کرده‌اند.

## آینده سوریه

اسرائیلی‌ها اکنون با رضایت نظاره‌گر اوضاع هستند، منتظر فرصتی برای تصاحب سرزمین‌های بیشتر و استفاده از همدستان خود برای ایجاد مجموعه‌ای از رژیم‌های دست‌نشانده که در خدمت منافع آن‌ها باشند. در همین حال، حتی یک گلوله از سوی نیروهای الجولانی به سمت اسرائیل شلیک نشده است.

## ملی‌گرانی سنی: یک صهیونیسم اسلامی

وقتی به جنایاتی که توسط نیروهای امنیتی ابو محمد الجولانی، رهبر عملی سوریه، و گروه‌های شبه‌نظامی متحد او انجام شده است نگاه می‌کنیم، هیچ ذهن سالمی نمی‌تواند آن‌ها را توجیه کند. به همین دلیل، طرفداران سوری و خارجی که خواهان سقوط رژیم پیشین بودند، اکنون باید به سه دسته تقسیم شوند:

(۱) پروپاگاندای اجیر شده که هیچ اصولی ندارد.

(۲) واکنشی‌های احساسی.

(۳) ملی‌گرایان.

دسته اول کسانی هستند که برای انتشار تبلیغات پول می‌گیرند. تصور این که برخی از آن‌ها حتی قتل اعضای خانواده خود را در ازای مبلغ مناسبی توجیه کنند، چندان دور از ذهن نیست. بنابراین، ایدئولوژی آن‌ها در واقع اهمیتی ندارد. دسته دوم کسانی هستند که به دلیل واکنش احساسی نسبت به سقوط بشار اسد از ابو محمد الجولانی حمایت کردند. این افراد ذاتاً بد نیستند، اما فریب تبلیغات را خورده‌اند. بسیاری از آن‌ها اکنون در تلاش‌اند که معنای تحولات اخیر را درک کنند؛ آن‌هایی که سال‌ها از «انقلاب مبارک» خود صحبت می‌کردند و آن را تلاشی برای ساختن «سوریه‌ای آزاد» می‌دانستند، اکنون ناامیدانه در جست و جوی پاسخی برای فجایعی هستند که پیش آمده است.

اما دسته‌سومی که به باور من باید بدرستی بررسی شود، ملی‌گرایان هستند. چرا آن‌ها را ملی‌گرا می‌نامم؟ زیرا این دقیقاً همان چیزی است که هستند. این گروه، اساساً مدل صهیونیستی را کپی کرده و با ایجاد تغییراتی جزئی، آن را به «ملی‌گرائی سنی» تبدیل کرده است.

### ملی‌گرائی سنی در مقایسه با صهیونیسم

برای درک این مسأله، باید آن را در یک چارچوب وسیع‌تر قرار داد. صهیونیسم، به عنوان شکلی از ملی‌گرائی، از دین یهودیت به عنوان ستون فقرات ایدئولوژیک خود بهره برد. این ایدئولوژی، یهودیت را ابزاری قرار داد تا چنین استدلال کند که یهودیان پولند، اسپانیا، روسیه، انگلستان، ایران، یمن، اتیوپی و غیره، همگی هویت مشترکی دارند و به نوعی، حق ادعای سرزمین فلسطین را دارند.

به همین ترتیب، ملی‌گرایان سنی از نسخه‌ای از اسلام سنی به عنوان ستون فقرات ایدئولوژیک خود استفاده می‌کنند. این ایدئولوژی، آن‌ها را قادر می‌سازد که باور کنند یک مسلمان سنی – چه از چین، از پاکستان، المان، پرتغال، لیبیا، عراق، پاکستان یا هر جای دیگر – حق دارد هر منطقه‌ای را که بخواهد تصرف کند، مشروط بر این که توجیهات مذهبی برای آن ارائه شود. تنها نکته‌ای که باید رعایت شود این است که آن مسلمان سنی باید با ایدئولوژی غالب این گروه موافق باشد.

در حقیقت، مسلمانان سنی از نیجریه، چین، بنگله دیش یا اردن از نظر فرهنگی، قومی و زبانی کاملاً متفاوت‌اند. با این حال، تحت یک ایدئولوژی ملی‌گرایانه، آن‌ها می‌توانند تسلط خود بر سوریه را در چارچوب ایجاد حکومتی بر اساس هویت گروهی خود توجیه کنند.

### ملی‌گرائی سنی در مقایسه با برتری‌طلبی سفیدپوستان

این ایدئولوژی را می‌توان با برتری‌طلبی سفیدپوستان مقایسه کرد که تحت عنوان «ملی‌گرائی سفید» نیز شناخته می‌شود. هرچند که برتری‌طلبان سفیدپوست گاهی اوقات از مسیحیت به عنوان ابزار تبلیغاتی استفاده می‌کنند، اما این مسأله در قیاس با دو مورد دیگر کمتر دیده می‌شود. با این حال، اصل اساسی یکی است: یک ایدئولوژی برتری‌طلبانه که ادعا می‌کند پیروی از اصول غربی و داشتن پوست «سفید» باعث می‌شود که گروه‌های قومی و مذهبی متنوع در سراسر اروپا به طور ناگهانی هویت واحدی داشته باشند.

این ایدئولوژی، تفاوت‌های فرهنگی، ژنتیکی و زبانی را نادیده می‌گیرد. اما برای ملی‌گرای سفیدپوست جاهل، این مسائل اهمیتی ندارد؛ او اصرار دارد که گروهش برتر است و «سفید» بودن، یک هویت واقعی است.

### سوءاستفاده از دین و تحریف متون اسلامی

از آنجا که ملی‌گرایان سنی که اغلب به شاخه‌سلفی‌گری تعلق دارند، نمی‌توانند موضع خود را مستقیماً بر اساس اسلام توجیه کنند، به ناچار به گزینش گزینشی (چری پیکینگ) از احادیث یا آرای ابن تیمیه متوسل می‌شوند. اما آن‌ها هرگز تحلیل صادقانه‌ای درباره‌ی زمینه تاریخی آرای ابن تیمیه ارائه نمی‌دهند. او در واکنش به رویدادهای فاجعه‌باری مانند حمله مغولان به بغداد که امپراتوری مسلمان-عرب را در هم شکست، نظریات خود را مطرح کرده بود.

ملی‌گرایان سنی این پیچیدگی‌ها را نادیده می‌گیرند. تقریباً تمامی شیوخ آن‌ها از رژیم‌های عربی طرفدار غرب و گاه مستقیماً از صهیونیست‌ها تأمین مالی می‌شوند. در نتیجه، اگرچه برخی از محتوای آن‌ها ممکن است صرفاً مذهبی به

نظر برسد، اما در پس آن یک عنصر خطرناکتر و بسیار مضرتر وجود دارد که برای آن مبالغه‌ناگفتی پرداخت می‌شود.

این افراد، موعظه‌های خود را به همان شیوه‌ای ارائه می‌دهند که مقامات مذهبی در اروپا از دین برای بسیج صلیبیون استفاده کردند. پیام آن‌ها در واقع سخنرانی‌های سیاسی است که در پوشش مذهب ارائه می‌شود، با هدف پیشبرد یک دستور کار ملی‌گرایانه بر پایه سیاست هویتی.

### صهیونیسم: همان نفرین ملی‌گرایی

صهیونیسم نیز دقیقاً همین نفرین ملی‌گرایی است. ادعاهای آن هیچ مبنای واقعی ندارد، زیرا نه یهودیت و نه تاریخ، آن را تأیید نمی‌کنند، اما این موضوع برای یک صهیونیست متعصب اهمیتی ندارد.

شاید قدرتمندترین ایدئولوژی سیاسی ملی‌گرایی باشد. هرچند که این واژه را می‌توان به ناپلئون بناپارت نسبت داد، اما مفاهیم اساسی که ملی‌گرایی را ممکن می‌کنند، بسیار قدیمی‌تر هستند.

همان‌طور که صهیونیسم برابر با یهودیت نیست، ملی‌گرایی سنی نیز معادل اسلام نیست. این ایدئولوژی‌های ملی‌گرایانه در مقیاسی گسترده، توهم ایجاد می‌کنند. نمونه بارز آن، ملی‌گرایان سنی هستند که ادعای حمایت از فلسطین و تلاش برای آزدسازی مسجدالاقصی را دارند.

همین افراد، تأثیر سیا (CIA) و ام‌ای ۶ (MI6) را در آنچه «انقلاب مبارک» می‌نامند، نادیده می‌گیرند. آن‌ها صدها میلیارد دلاری که برای سرنگونی دولت سوریه هزینه شد، کشتارهای جمعی انجام‌شده توسط شاخه‌های القاعده و حتی حمایت مالی، تسلیحاتی و پزشکی که همین گروه‌های تکفیری از رژیم اشغالگر اسرائیل دریافت کردند را نادیده می‌گیرند.

این نوع آکروبات فکری که ناشی از فساد ذهنی ناشی از ایدئولوژی ملی‌گرایانه آن‌هاست، باعث شده برخی از آن‌ها با عکس‌های صدام حسین در خیابان‌ها جشن بگیرند، در حالی که هم‌زمان سقوط بعثت را نیز گرامی می‌دارند. در نهایت، آن‌ها رهبری را دنبال می‌کنند که از حمایت اتحادیه اروپا برخوردار است، سیگنال‌هایی برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل می‌فرستد، زمانی خود را یک بنیادگرای مذهبی سخت‌گیر معرفی می‌کند، اما اکنون در سخنرانی‌های اخیرش از «سوریه‌ای دموکراتیک و کثرت‌گرا» صحبت می‌کند.

با این حال، هیچ‌کدام از تصمیمات اقتصادی یا سیاسی که خلاف باورهای ادعایی آن‌هاست – و بارها توسط احمد الشراء و دولت او اتخاذ شده است – برای این ملی‌گرایان کافی نیست تا شک کنند. اما این ایدئولوژی در نهایت سقوط خواهد کرد، زیرا کاملاً وابسته به حامیان خارجی است و سرانجام دشمن فانی خود را از دست خواهد داد. آن‌ها هرچقدر هم که تلاش کنند ایران و «شیعیان» را دشمن اصلی خود نشان دهند، این ستراتیژی در نهایت شکست خواهد خورد. در حالی که حماس، جهاد اسلامی فلسطین (PIJ) و سایر گروه‌های مقاومت فلسطینی در خط مقدم علیه اشغالگری و حشیانه رژیم صهیونیستی در حال نبرد هستند، تنها حمایت خود را از محور مقاومت به رهبری ایران دریافت می‌کنند، در حالی که حتی یکی از این گروه‌های ملی‌گرای سنی کوچک‌ترین اقدامی برای کمک به آن‌ها انجام نمی‌دهد.

کاملاً آشکار است که پروژه ساخت ملی‌گرایی سنی، یک پروژه صهیونیستی است. این پروژه نه تنها افرادی که خود را مسلمان می‌نامند را به سربازانی برای منافع آمریکا و اسرائیل تبدیل کرده است، بلکه الگوی کاملی را نیز برای تصویری که مستشرقان از مسلمانان ارائه می‌دهند، به وجود آورده است. این احتمالاً یکی از موفق‌ترین عملیات‌های

روانی (PsyOps) در تاریخ است، چراکه مسلمانان را به ملی‌گرایانی تھی از منطق تبدیل کرده که تمام توجه‌شان بر هویت‌گرایی است، بدون این که آموزه‌های دین پاکشان برایشان اهمیتی داشته باشد. صهیونیست‌ها هم‌اکنون از این کشتارهایی که تکفیری‌ها مرتکب می‌شوند، بهره‌برداری کرده و از آن‌ها برای نمایش تصویری وحشیانه از مسلمانان استفاده می‌کنند و ادعا می‌کنند که ما مسلمانان دشمن مسیحیان هستیم. متأسفانه، به دلیل سیاست‌های هویتی ملی‌گرایان سنی، بسیاری اکنون در تلاش‌اند تا برای کشتار جمعی اقلیت‌های سوری توجیه‌تراشی کنند، که این نشان‌دهنده عمق وحشتناک این ایدئولوژی است.

### سیاست تفرقه اندازانه صهیونیسم و همپیمانانش

پس از جنگ غزه، برای اولین بار در چند دهه اخیر، اختلافات فرقه‌ئی بین سنی‌ها و شیعیان شروع به فروکش کردن کرد. اما کاملاً مشخص بود که رژیم صهیونیستی و همپیمانانش اجازه نخواهند داد این وحدت شکل بگیرد. محتوای فرقه ئی به‌طور گسترده تبلیغ می‌شود. تصادفی نبود که سریالی به نام «معاویه» دقیقاً برای رمضان آماده شد و همچنین تصادفی نیست که محتوای فرقه‌ئی به‌وضوح در شبکه‌های اجتماعی تبلیغ می‌شود. صهیونیست‌ها و همپیمانانشان می‌خواهند مردم را از هم جدا کنند، زیرا اگر متحد شوند، پروژه آن‌ها در غرب آسیا فرو خواهد پاشید.

دشمن نه سنی‌ها هستند، نه علویان، نه شیعیان، نه مسیحیان، نه دروزی‌ها، نه کردها و نه هیچ فرقه دیگری. این وضعیت تا زمانی که مردم از این طلسم نفرت از همسایگان خود – که قرن‌ها در کنار هم زندگی کرده، جنگیده و کشته شده‌اند – رهایی نیابند، بهبود نخواهد یافت.

۱۲ مارچ ۲۰۲۵